



"دولت ملی"!!

در عراق را بهتر بشناسیم!

سناریوی ضدملی و ضدمردمی ای است که آمریکا برای مردم عراق در نظر گرفته است. دولت "ملی" کنونی عراق، دولتی دست نشانده و مجری اوامر آمریکاست که توسط آمریکا کنترل و هدایت شده و به تدریج خطوطی را به پیش می برد که به وسیله دولت آمریکا دیکته گشته و حتی در زمان اجرا به وسیله آمریکا کنترل خواهند گشت. نگاهی به سوابق افرادی که رسماً دولت جدید عراق را شکل داده اند به روشنی نشان می دهد که بسیاری از آنها اساساً مأمور سازمان های جاسوسی آمریکا بوده و این امر را حتی کتمان هم نمی کنند. برای نمونه نخست وزیر این دولت، یعنی "ایاد علاوی" کسی ست که برخی از مقامات آمریکائی (ادامه مطلب در صفحه ۲)

"دولت جدید" عراق و خروج پل برمر، مسئول آمریکائی عراق از این کشور، تبلیغات امپریالیستی می کوشند تا نقش نیروهای اشغالگر را در حد نیروئی که به سرنگونی دولت رژیم دیکتاتوری صدام کمک نموده و شرائط را جهت برقراری آزادی و دمکراسی در عراق آماده ساخته، جلوه دهند. اما بررسی سابقه افرادی که این دولت به اصطلاح ملی و یا عراقی را شکل می دهند، خود به خوبی گویای

حرف آخر را فرماندهان آمریکائی می زنند. اما به هر حال در ظاهر امر، کشور عراق دولتی متشکل از عراقی ها دارد که خیلی از دولت های دیگر هم آن را به "رسمیت" شناخته اند. از سوی دیگر با شکل گیری

بالاخره پس از گذشت حدود یکسال از اشغال عراق بوسیله آمریکا و متحدین اش، اداره عراق ظاهراً به دولتی عراقی واگذار شد. گرچه دولت اشغالگر آمریکا علیرغم این انتقال ظاهری قدرت، انکار نمی کند که هنوز هم در اکثر زمینه ها

شورش مردم بجان آمده در گناوه

روز دوشنبه ۷ شهریور، شهر گناوه به صحنه اعتراض و سپس شورش تمام عیار مردم برعلیه رژیم جمهوری اسلامی بدل گشت. این حرکت در ابتدا به درخواست "شورای اسلامی شهر" و با تجمع تعداد محدودی از مردم آغاز گشت. اما پس از اینکه فرماندار شهر بی اعتنا به خواست اعضای شورای شهر برای ملاقات با مردم، محل را ترک کرد، جمعیت معترض از این فرصت استفاده کرده و به رغم درخواست مقامات شورای شهر با شکستن شیشه ها به ساختمان فرمانداری حمله ور شدند و دفتر فرماندار را غارت نمودند. با برافروخته شدن اولین شعله های اعتراض، هزاران تن از مردم شهر نیز به معترضین پیوسته و جمعیت، با سردادن شعارهای ضدحکومتی در خیابان ها براه افتاده و به سایر ادارات دولتی حمله ور شدند. در جریان این شورش، چندین ساختمان دولتی و از جمله شهرداری، اداره آب و فاضلاب، برق، جهاد و گمرک و... توسط تظاهرکنندگان خشمگین تخریب شد و تعدادی از وسائط نقلیه دولتی به آتش کشیده شد. مقامات رژیم سرکوبگر دولتی که بشدت از عواقب این حرکت و گستردگی دامنه آن وحشت زده شده بودند، توسط شورای تأمین استان وارد عمل شده و با کسب هزاران نیروی سرکوب و از جمله بسیج، به سرکوب تظاهرکنندگان و دستگیری آنان پرداختند.

(ادامه مطلب در صفحه ۳)

زندگی ۴۷ هزار کارگر ساوه ای در معرض نابودی ست!

اخیراً دیوان به اصطلاح "عدالت اداری جمهوری اسلامی" با صدور رأی مبنی بر تأیید خواسته های اداره کل تأمین اجتماعی استان تهران، مقرری بیمه بیکاری ده ها هزار تن از کارگران زحمتکش ساوه ای را قطع نمود. این اقدام ضدخلقی به معنای تشدید فشارهای وحشتناک اقتصادی بر دوش قریب به ۵۰ هزار کارگری ست که زندگی آنان تا قبل از این مصوبه ضدکارگری نیز در زیر خط فقر قرار داشت و از این پس با قطع بیمه بیکاری طبعاً حیات آنان و خانواده هایشان هر چه بیشتر در گرداب فشار، عدم ثبات، فقر و گرسنگی و بیکاری فرو خواهد رفت.

(ادامه مطلب در صفحه ۳)



به دلیل مخالفت شان با آنچه که توسط دارودسته بوش در عراق به پیش می برند، اخیراً سوابق همکاری او با سازمان جاسوسی آمریکا "سیا" را آشکار ساخته و روشن نموده اند که جناب نخست وزیر کنونی عراق، حداقل از سال ۱۹۹۲ مأمور رسمی سازمان "سیا" بوده است. جالب اینجاست که به دنبال این افشاگری، ایاد علاوی نه تنها در جهت تکذیب این امر برنیامد، بلکه برعکس با وقاحت خاص چنین مهره هائی اعلام کرد که همکاری او با سازمان "سیا" یکی از "افتخار"ات زندگی اوست. علاوی مزدور حتی از این هم پیش تر رفت و گفت که "با ۱۵ سازمان اطلاعاتی بین المللی و منطقه ای همکاری داشته" است!؟

براستی که دنیای غریبی ست! عضو "سیا" را مأمور تشکیل دولت می کنند و سپس نامبرده عضویت در این سازمان جهانی و ضدخلقی را تأیید و به عنوان "افتخار" خود قلمداد می کند. و آنگاه باز هم فریبکاران در بوق و کرنا می دمند که در عراق "دولت ملی" بر سر کار آمده تا "آزادی" و "دمکراسی" اهدائی امپریالیسم آمریکا در عراق را جاری سازد. و اینگونه جلوه می دهند که گویا مردم هم حق تعیین سرنوشت خویش را بدست آورده اند!!

البته سوابق "درخشنده" نخست وزیر آمریکائی عراق به

همین جا ختم نمی گردد. در بستر رشد تضاد های درونی جناح های مختلف در خود آمریکا - که به طور مثال به رسوائی احمد چلبی دامن زد- حال روشن شده است که در دوران به اصطلاح مبارزه با صدام حسین، یعنی زمانی که ایاد علاوی به کمک "سیا" تشکیلاتی به نام "پیمان ملی عراق" را سازمان داده بود، یکی از وظایف این تشکیلات سیا ساخته، بمب گذاری در شهرها و ارگان های دولتی حزب بعث بوده است و حال برخی از مقامات آمریکائی و از جمله "رابرت باشر" مأمور سابق "سیا"، خاطر نشان می کنند که یکی از این بمب ها در آن زمان در یک اتوبوس مدرسه منفجر شده و منجر به مرگ تعدادی از دانش آموزان بیگناه گردیده و بمب دیگری که در یک سینما منفجر شده تعداد زیادی از مردم عادی را به هلاکت رسانده است.

در دنیای واقعی اگر بخواهیم تروریسم را تعریف کنیم، دقیقاً باید به همین اعمال جنایتکارانه ای که دارو دسته "پیمان ملی عراق" به رهبری "ایاد علاوی" و به دستور سازمان "سیا" انجام داده، رجوع کنیم. و حال آمریکا این پرچمدار "مبارزه بر علیه تروریسم" با ادعای این که "خطر" اصلی در جهان کنونی خطر "تروریسم" است، یک تروریست جنایتکار را در رأس "دولت" عراق نشانده و از آزادی و دمکراسی برای مردم عراق دم می زند.

براستی که هیچ چیز بهتر از پراتیک و جریان زندگی معنای واقعی شعارهای فریبکارانه قدرت های امپریالیستی را به عینه در مقابل چشم مردم قرار نمی دهد!

آنچه در فوق بدان اشاره شد، تنها گوشه کوچکی از اوضاعی که در عراق می گذرد را نشان می دهد و با وضوح روشن می سازد

که در شرائط سلطه امپریالیسم، چه کسانی عهده دار پیشبرد سیاست های ضدخلقی و امپریالیستی می شوند.

البته اگر به نوکران امپریالیسم در سراسر جهان نگاه کنیم، هیچیک در جنایت و ددمنشی و وقاحت و بیشرمی دست کمی از همین جناب ایاد علاوی ندارند. تروریستی که با وقاحت تمام، عضویت و همکاری "سیا"، سازمان جاسوسی آمریکا را جزء افتخارات خود اعلام کرده و دم از "مبارزه با تروریسم" نیز می زند!

داستان ایاد علاوی البته سر دراز دارد. اما از آنجا که ما در اینجا قصدمان از طرح این مسائل، کمک به درک و حل مسائل کشور خودمان می باشد، در نتیجه باید درس های این تجربه را مورد تأکید قرار داده و به کسانی که در ایران و یا حتی در اپوزیسیون رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی، در جهت ایاد علاوی شدن روزشماری می کنند، این امر را گوشزد کنیم که البته برای اینکه کسی "ایاد علاوی" شود، صرف داشتن وقاحت و یا یک سلام و علیک!! ساده با فلان مأمور سفارت آمریکا کافی نیست. و حتی اگر دولت آمریکا و یا نوکر وفادارش، اسرائیل، جهت برپائی فلان برنامه تلویزیونی هم به فرد و یا جریانی مقداری پول داد، باز هم هنوز این "موفقیت" به معنای ایاد علاوی شدن نیست. بلکه این کار، تازه گام گذاشتن در آغاز راهی ست که به چنان سرانجامی، ختم می شود. پس کسانی که به هر دلیلی فریب این جریانات را خورده اند، نیز بهتر است به فرجام ننگین این راه ببیندند. آنهایی که قصد دارند در شرائط سیاسی ای نظیر اوضاع عراق - در به اصطلاح چنین سناریو سیاهی - نقشی اینچنینی ایفا کنند، باید بدانند که برای اینکه فردی در جریان

همکاری با آمریکا و یا سازمان "سیا" به درجه ایاد علاوی برسد، نه تنها بمب گذاری در سینماها و مدارس و یا هر جنایت دیگری از این دست از ملزومات این امر است، بلکه باید توانائی و جسارت این را هم داشته باشند که جنایت و ددمنشی را به زیر دستان خود نیز آموزش دهند. جهت روشن تر کردن این مساله، بهتر است تا خواننده را به خبری رجوع دهیم که نشریه استرالیائی "سیدنی مورینگ هرالده" در اواسط ژوئیه امسال درج نموده است.

به گزارش این نشریه، ایاد علاوی یعنی نخست وزیر حکومت موقت عراق، چند روز پیش از قرار گرفتن در این مقام، در مرکز امنیتی "العماریه" بغداد، با دستان خودش ۶ قربانی که متهم به "شورش" بر علیه نیروهای اشغالگر آمریکائی در عراق شده بودند را با شلیک گلوله به مغزشان کشته است. بر اساس گزارش این نشریه، علاوی با ارتکاب به این جنایت قصد داشته تا شیوه برخورد کسانی که بر علیه "نظم نوین" امریکا به اعتراض برخاسته اند را به نیروهای امنیتی و پلیس عراق "آموزش" دهد.

البته ممکن است که وحشتناک بودن این واقعه، کسانی را نسبت به صحت آن به شک اندازد. به خصوص که دفتر ایاد علاوی نیز این خبر را تکذیب کرده و گفته که "علاوی" مسلح نبوده است!! اما نشریه استرالیائی فوق الذکر در گزارش خود تأکید می کند که دست کم ۱۲ پلیس عراقی و ۴ آمریکائی که محافظان علاوی بوده اند، از شاهدان این جنایت می باشند. و مهمتر از همه این که "فتاح النقیب" وزیر کشور عراق نیز در این صحنه حضور داشته و "قاطعیت" و "جسارت" علاوی را به او تبریک گفته است.





شورش مردم بجان آمده...

بقیه از صفحه ۱

ابعاد شورش مردم به جان آمده گناوه تا حدی بود که ۲ روز بعد نماینده بوشهر در مجلس رژیم، ضمن اعتراض به چگونگی برخورد فرماندار گناوه در ترک محل در آغاز اعتراض، عنوان نمود: دوشنبه گذشته در شهرستان گناوه با اعتراض بیش از ۳۰۰ هزارمردم، تعداد زیادی از ادارات و سازمان ها به آتش کشیده شد و

این که ایاد علوی در طول خدمات جنایتکارانه اش به آمریکا و سازمان "سیا" چند نفر را کشته به واقع مساله اصلی نیست. در شرائطی که خود آمریکائی ها در زندان ابوغریب چنان جنایاتی را در شکنجه و تجاوز و کشتار قربانیان خویش به نمایش گذارده اند، از نوکران آنها انتظاری بیش از این را نمی توان داشت. اما مساله اصلی درک این واقعیت است که جنایاتی که به نام آزادی و دمکراسی از سوی آمریکا در عراق تبلیغ می شود، جز به وسیله چنین جنایتکارانی پیاده نخواهد شد. پس بهتر است آنهایی که جهت رهائی از چنگال جمهوری اسلامی به آمریکا و "کمک های" او چشم دوخته اند، کمی بیشتر به آنچه در عراق می گذرد، توجه کنند.

کلیت سیستم استثمارگرانه موجود استفاده کرده و با کل دیکتاتور حاکم به مقابله و ستیز برمی خیزند.

رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی برای خفه کردن فریاد اعتراض توده ها و ممانعت از تداوم و اوج گیری حرکات ضدحکومتی، شهر گناوه را مملو از نیروهای سرکوب خود کرده و با کنترل معابر و نقاط حساس شهر و مبادرت به بازرسی های گسترده و آزار و اذیت مردم، کوشیده است تا فضای رعب و وحشت و اختناق را در شهر حاکم سازد.

یک عصیان و شورش عمومی بر علیه سیاست های اعمال شده فرمانداری گناوه بوجود آمد...".

شورش مردم به ستوه آمده در گناوه که در ابتدا به خاطر تصمیم مقامات فرمانداری برای انتقال بیمارستان این شهر آغاز شد بار دیگر نشان داد که توده های تحت ستمی که کمرشان زیر بار فقر و بیکاری و سرکوب و گرسنگی و سرکوب رژیم ضدخلقی جمهوری اسلامی خم شده، چگونه از هر فرصتی - و منجمله از تضاد بین دارودسته های مختلف حکومتی - برای بیان اوج نارضایتی خویش به

خبری از افغانستان

آنان صورت گرفته، آن ها اظهار داشته اند که در طول همه ی مدت مهاجرت شان در ایران، در شرکت های بافندگی که توسط زنان اداره می شده کار می کرده اند و این زنان هر روزه با مصرف چرس و هروئین در محل کار آنان را نیز به اعتیاد کشانده اند.

وطن برگشته اند معتاد به کشیدن چرس (حشیش) و هروئین هستند. این دفتر همچنین اعلام داشته است که در مصاحبه هایی که با عده ای از

روزنامه های چاپ کابل، "هیواد" و "اداره"، دفتر بازرسی مبارزه بر علیه مواد مخدر، خبر داده است که اکثر افغانی هائی که از ایران به

زندگی ۴۷ هزار کارگر ساوه ای در معرض...

بقیه از صفحه ۱

عواقب وحشتناک ناشی از این تصمیم در زندگی کارگران تا حدی ست که حتی سر و صدای برخی از دست اندرکاران رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی را نیز بلند کرده و آنها در هراس از انفجار خشم و نفرت کارگران زحمتکش به تکاپو انداخته است.

کارفرمایان و کارخانه داران زیر سایه قدرت دولتی و با اعمال فشار، گوشه دیگری از دسترنج بخور و نمیر کارگران ما را به جیب نزنند. ابعاد این هجوم ضدخلقی به حیات و معاش کارگران، به ویژه در دوران زمامداری دولت خاتمی فریکار فزونی یافته و اخراج های روزمره و تصویب پی در پی قوانین ضدکارگری، زندگی صدها هزار تن از کارگران زحمتکش ما را به ورطه نابودی سوق داده است.

شد." در این نامه هشدار داده شده که "اجازه ندهید که همسران و دختران کارگران به فساد و تباهی کشیده شوند". قطع مقرری بیمه بیکاری کارگران یکی از جلوه های وحشیانه هجوم غارتگرانه ای ست که رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی در حمایت از منافع سرمایه داران زالوصفت وابسته ، به حیات و معاش طبقه کارگر ایران سازمان داده است. و روزی نیست که ما شاهد آن نباشیم که مقامات رژیم و

درهمین رابطه، دبیر اجرائی خانه کارگر ساوه با ارسال نامه ای به وزیر رفاه و تأمین اجتماعی حکومت، ضمن انتقاد به رأی هیأت عمومی به اصطلاح عدالت اداری رژیم در "تأیید خواسته اداره تأمین اجتماعی استان تهران"، عنوان کرد که "با این اقدام، کارگران که در زیر خط فقر قرار داشتند، دیگر هیچ امیدی ندارند و اگر این روند ادامه پیدا کند، کانون خانواده های کارگران و بیمه شدگان یکی پس از دیگری به نابودی کشیده خواهد



اوضاع اسفبار کار و زندگی کارگران در جمهوری اسلامی

این اوضاع از یک سو منجر به شدت گیری اعتراضات کارگری گشته و از سوی دیگر نهادهای کارگری وابسته و دست ساز حکومت را به تکاپو انداخته تا به هر وسیله که می توانند با موعظه خوانی و دعوت به "تحمل" و... جلوی اعتراضات کارگری بر علیه رژیم را بگیرند. به عنوان مثال علی غیائی، که دبیر اجرایی خانه کارگر استان ایلام است در پاسخ به اعتراض کارگران می گوید: "کاهش و تأخیر در پرداخت های کارگران نباید عامل تشنج شود بلکه می بایست با در نظر گرفتن توان کارگران در تحمل این دیرکردها، مشاغل و صنایع موجود را حفظ کرد و رضایت کارگر و کارفرما را به صورت هم زمان به دست آورد." ◆

تعدادی از کارگران نیروی اتمی بوشهر است. شهرداری آبادان نیز که خود یک نهاد دولتی است طی ۲ ماه گذشته حقوق کارگران خود را پرداخت نکرده است. تعداد این کارگران از مرز ۱۷۰۰ نفر می گذرد. سازمان های عمران، نوسازی، فضای سبز و اتوبوس رانی از جمله این نهادهای زیرمجموعه شهرداری هستند. کارگران کارخانه فجر نیز که بیش از سه ماه است حقوقی دریافت نکرده اند امروز با مشکلات فراوانی روبرو هستند. بجز مشکل اخراج، بیکاری و عدم دریافت حقوق، عدم توجه

تحت حاکمیت سیاه رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی، عدم پرداخت حقوق های بخور و نمیر کارگران و موج اخراج های کارگری توسط کارفرمایان وابسته و سودجو در واحدهای مختلف همچنان ادامه دارد. در همین رابطه اخیرا کارگران ریسندگی "چل" در مقابل اداره استان مازندران تجمع کردند. کارگران زحمتکش که به دلیل تعطیل شدن این کارخانه بیکار شده اند از مدتها قبل نیز حقوقی دریافت نکرده بوده اند. خبر دیگر احتمال اخراج

قرار داده است. مصوبات ضدخلقی اخیر دولت در باز کردن درب بازار به روی چای خارجی در سالهای اخیر خسارت جبران ناپذیری به اقتصاد ملی و چای کاران و کارگران این رشته وارد کرده است. به طوری که طبق آمار خود رژیم، هم اکنون هزاران نفر دست اندرکار صنعت چای کشور با مشکل بیکاری روبرو هستند. رژیم جمهوری اسلامی نظیر همین سیاست ضدخلقی را در مورد بازار کفش داخلی نیز اعمال نموده که در نتیجه آن ۳۶۰۰ کارگاه تولید کفش در ایران به علت واردات بی رویه کفش های چینی تعطیل شده اند و هزاران کارگر و زحمتکشی که از این راه امرار معاش می کردند به خیل بیکاران پیوسته اند. ◆

جمهوری اسلامی و نابودی تولیدات چای و کفش

رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی مصوبه های اخیر خود در هموار کردن واردات بی رویه چای خارجی، کمر به نابودی تولیدات داخلی بسته و علاوه بر آن زندگی و حیات تولیدکنندگان چای و کارگران زحمتکشی را که زندگی خود را از این راه می گذرانند، هر چه بیشتر مورد تهدید

تظاهرات گسترده مردم آمریکا بر علیه دولت بوش

در جریان برگزاری کنوانسیون انتخاباتی حزب جمهوریخواه آمریکا در نیویورک، صدها هزار تن از مردم آگاه آمریکا به خیابان ها آمده و با سردادن شعارهای ضدجنگ بر علیه دولت بوش و کارزار انتخاباتی او، دست به تظاهرات زدند. در این تظاهرات که یکی از گسترده ترین حرکات اعتراضی بر علیه دولت بوش در سالهای اخیر بود، بیش از ۴۰۰ هزار تن از مردم شرکت کرده و با محکوم کردن سیاست های جنگ طلبانه دولت بوش، خواهان خروج نیروهای آمریکائی از عراق و افغانستان گشتند. در این تظاهرات که توسط یکصد گروه و سازمان ضدجنگ و مدافع حقوق بشر و جریانات مترقی سازمان یافته بود، مردم فریاد می زدند "تروریست واقعی بوش است!" ، "نیروهای آمریکائی باید از عراق و افغانستان خارج شوند!" ، "فرزندان ما را بخاطر منافع بوش به کشتن ندهید!" و... برخی دیگر از شعارهای تظاهرکنندگان در این حرکت نیز در محکوم کردن سیاست های اقتصادی دولت بوش در چهار سال گذشته بود که باعث گسترش بی سابقه فقر و بیکاری در میان آحاد محروم جامعه شده است.

پلیس سرکوبگر آمریکا به رغم مسالمت آمیز بودن تظاهرات، در بسیاری از نقاط با یورش بردن به صفوف تظاهرکنندگان و ضرب و شتم وحشیانه آنها، حداقل ۹۰۰ تن از تظاهرکنندگان آمریکائی را دستگیر و روانه زندان نمود. ◆

"پیام فدایی"

بر روی شبکه اینترنت

از صفحه چریکهای فدایی خلق ایران

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.fadaee.org/>

از صفحه اشرف دهقانی

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.ashrafdehqhani.com/>

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051
London
WC1N 3XX
England

شماره فکس و تلفن

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

0044 – 208 – 8805621

آدرس پست الکترونیک

e-mail : ipfg@hotmail.com

